



تك سرنشین های تریلیونی

حسین نامی ساعی

در خواب و بیداری، آن شب تا صبح نگران بودم که آسیبی به مدرسه نرسیده باشد، آسیب به درختان مدرسه، سیم‌های برق، تلفن، شیشه‌ها و چیزهای دیگری که فکرم را نمی‌کردم. به همین دلیل آن روز صبح، زودتر از روزهای قبل از خانه خارج شدم و به طرف مدرسه حرکت کردم. عجیب بود که اتوبوسی عمومی، که سوار آن شدم، بیش از من و دو سه نفر دیگر مسافر نداشت. این را نگفتم که، شب قبل از آن باد نسبتاً شدیدی آمده بود طوری که بیشتر درختان را شکسته و خم کرده و برق و تلفن خیلی از مناطق را هم قطع کرده بود و همین باعث شده بود که من دلوپس مدرسه شوم و روز بعد زودتر از همیشه عازم مدرسه شوم.

به هر حال، آن روز صبح خیلی زود به مدرسه رسیدم؛ حول و حوش ساعت ۶ هوا گرگ و میش بود! قبل از هر چیز، روشن بودن پروژکتور جلوی در ورودی مدرسه نشان می‌داد که برق مدرسه قطع نشده است و همین مایه امیدواری من شد! چند مرتبه زنگ خانه سربرداری را فشار دادم تا اینکه بنده خدا مشهدی عباس از خواب بلند شد و در را باز کرد. مشهدی عباس در جلوی در مدرسه مرا که دید گفت: «آقا ان شاءالله که خیر است این موقع صبح؟!» گفتم: مشهدی عباس؛ انگار خبری نیست. نگران باد دیشب بودم، به همین دلیل زودتر از روزهای دیگر آمدم تا ببینم مدرسه چه شده! وارد مدرسه شدم. حیاط پر از برگ و خار و خاشاک بود. در گوشه‌های هم خرده‌های کاغذ و مقوا جمع شده بود و چند تا قوطی حلبی هم غلتیده و به کنار افتاده بودند. مشهدی عباس هم که اوضاع را دید جارویش را برداشت و شروع به نوازش کف حیاط کرد. خوشحال شدم و خدا را شکر گفتم که اتفاق خاصی برای مدرسه نیفتاده بود. حال ایش از یک ساعت وقت آزاد داشتم. با خیال راحت و مطابق معمول به دفترم که در ضلع شمالی حیاط

مدرسه بود رفتم. دفتر حضور و غیاب همکاران را آماده

کردم. اسامی دانش‌آموزانی را که روز گذشته نیامده بودند

برگه‌ای نوشتم تا سرصف صبحگاهی به آن‌ها رسیدگی کنم. طرح درس‌های معلم‌ها را مرور کردم. صندوق انتقادات و پیشنهادات را بررسی کردم. برنامه امتحانات روزانه را چک کردم و یکی دو بخش‌نامه و دستورالعمل جدید را در اتوماسیون دیدم و از آن‌ها نسخه چاپی گرفتم و در برد نصب کردم. و کارهای معاونتی دیگر. در آخر برنامه صبحگاه را مرور کردم و گشتی هم در

ر و ی

درس‌های

معلم‌ها را مرور کردم. صندوق انتقادات و پیشنهادات را بررسی کردم. برنامه امتحانات روزانه را چک کردم و یکی دو بخش‌نامه و دستورالعمل جدید را در اتوماسیون دیدم و از آن‌ها نسخه چاپی گرفتم و در برد نصب کردم. و کارهای معاونتی دیگر. در آخر برنامه صبحگاه را مرور کردم و گشتی هم در





حیات و سرویس‌های بهداشتی زدم و اوضاع بهداشت و نظافت را ارزیابی کردم. بعد به اتاق مخصوص خودم برگشتم و پرده آن را، که مشرف به حیاط مدرسه بود، کنار زدم. بعد از ساعت ۷ معلم‌ها کم‌کم پیدایشان شد. آن‌ها که ماشین داشتند ماشین‌هایشان را در انتهای حیاط مدرسه پارک کردند و همه یکی‌یکی وارد دفتر شدند. تعداد معلم‌های موظف آن روزمان ۲۵ نفر بود. در مجموع ده بیست دقیقه بیشتر طول نکشید که حداقل ۲۰ نفر از همکاران وارد شدند. در عرض همان ۲۰ دقیقه حیاط پر از ماشین‌های رنگارنگ شد. با شناختی که از معلمان داشتم می‌دانستم که مسافت تقریبی محل سکونتشان تا مدرسه، به صورت میانگین، بیشتر از ۱۰ کیلومتر نیست.

کارشناسان معتقدند که در شهر پرتراфик میانگین مصرف حتی ماشین‌های کم مصرف کمتر از هر ۱۰۰ کیلومتر ۱۲ لیتر نیست. بنابراین با میانگین ۱۰ کیلومتر مسافت خانه تا مدرسه هر معلم، مصرف هر ماشین در ۱۰ کیلومتر می‌شود ۱/۲ لیتر بنزین که با رفت و برگشت می‌شود. ۲/۴ لیتر در هر روز. حالا اگر بدانیم که حداقل یک میلیون معلم و کارمند فرهنگی و اداری در کشور مشغول خدمت‌اند و از این تعداد ۹۰ درصدشان با ماشین‌های شخصی به محل کار خود رفت و آمد می‌کنند، حدود ۹۰۰ هزار نفر هر روز با ماشین خودشان سر کار می‌روند.

حالا حساب می‌کنیم: ۹۰۰ هزار تا ۲/۴ لیتر در روز می‌شود:

$$۹۰۰۰۰۰ \times ۲/۴ = ۲۱۶۰۰۰۰ \text{ لیتر}$$

قیمت هر لیتر بنزین هم ۱۰۰۰ تومان است:

$$۲۱۶۰۰۰۰ \times ۱۰۰۰ = ۲۱۶۰۰۰۰۰۰$$

دو میلیارد و صد و شصت میلیون تومان در روز.
و در ماه:

$$۲۱۶۰۰۰۰۰۰ \times ۳۰ = ۶۴۸۰۰۰۰۰۰۰$$

شصت و چهار میلیارد و هشتصد میلیون تومان و حداقل در ۹ ماه کاری فرهنگیان.

$$۶۴۸۰۰۰۰۰۰۰ \times ۹ = ۵۸۳۲۰۰۰۰۰۰۰$$

پانصد و هشتاد و سه میلیارد و دویست میلیون تومان.

این فقط هزینه رفت و آمد فرهنگیان با ماشین‌های تک سرنشین به محیط کارشان است. خب شما حساب کنید اگر هزینه رفت و آمدهای ماشین‌های تک سرنشین استادان، مهندسان، پزشکان، کارمندان و کارگران و دانشجویان و ... غیره را هم به آن اضافه کنیم. آن وقت چه میزان می‌شود!

واقعاً اگر همه عادت کنیم از وسایل عمومی استفاده کنیم چه می‌شود؟ حالا هزینه‌اش به کنار، در شماره بعدی حساب می‌کنیم که این ماشین‌های تک سرنشین چه میزان هوای سالم شهر را آلوده می‌کنند و ...